



توصیف امام علی(ع) از سختی های عالم قبر/ حکایت گذر پیامبر(ص) بر گروهی که بلند می خندیدند

یکبار رسول اکرم(ص) برای نماز آمدند. گروهی را دیدند که آشکارا می خندند و بر اثر خنده دندانه های آنان ظاهر است. آن حضرت فرمودند: اگر مرگ را بسیار یاد کنید آن حالی را که من می بینم نخواهید داشت، لذا مرگ را بسیار یاد کنید.

یکبار رسول اکرم(ص) برای نماز آمدند. گروهی را دیدند که آشکارا می خندند و بر اثر خنده دندانه های آنان ظاهر است. آن حضرت فرمودند: اگر مرگ را بسیار یاد کنید آن حالی را که من می بینم نخواهید داشت، لذا مرگ را بسیار یاد کنید. امام علی(ع) در خطبه نود و نهم نهج البلاغه از زهد و ترك دنیاپرستی سخن می گوید و می فرماید: او را بر نعمتهایی که عطا فرموده ستایش می کنیم و در کارهای خود از او استعانت می جوئیم، از او سلامت در دین می خواهیم همان گونه که تندرستی در بدن از او تقاضا داریم. ای بندگان خدا شما را به ترك این دنیائی که سرانجام شما را رها می سازد توصیه می کنم گرچه شما ترك آنرا دوست ندارید، دنیایی که جسمهای شما را کهنه و فرسوده می کند با اینکه دوست دارید، همیشه تازه و نو باشید. شما و دنیا به مسافرانی می مانید که تازه گام در جاده نهاده اند احساس می کنند به انتها رسیده اند و تا قصد رسیدن نشانه ای در وسط راه می کنند گویا به آن رسیده اند. آن چنان دنیا به سرعت می گذرد که هنوز گام در آن نگذارده پایان می یابد. در حالی که برای رسیدن به مقصد نهایی باید راه زیادی را بپیمایید. اما چگونه می تواند به مقصد برسد کسی که روز معینی در پیش دارد و از آن تجاوز نخواهد کرد. مرگ به سرعت او را می راند و عوامل مختلف او را به زور و برخلاف میل به جدایی از دنیا وادار می سازد.

پس در عزت و افتخارات(موهوم) این جهان سر و دست نشکنید و به زینت و نعمتهای آن فریفته نگردید و از رنج و سختیهای آن جزع و زاری نکنید، زیرا عزت و افتخارات آن به زودی پایان می گیرد و زیور و نعمتهایش زایل می گردد و رنج و سختی آن تمام می شود و هر خوب و بد در دنیا پایان می یابد و هر موجود زنده ای به سوی فنا پیش می رود. آیا برای شما در آثار پیشینیان وسیله عبرت نیست که شما را از (کردار بد) باز دارد و آیا اگر اندیشه کنید در آثار پدران خود عبرت نخواهید گرفت؟ مگر نمی دانید گذشتگان شما بر نمی گردند و بازماندگان باقی نمی مانند، مگر مردم دنیا را مشاهده نمی کنید که شبانه روز حالات گوناگونی دارند یکی می میرد و بر او می گریند و دیگری باقی می ماند و به او تسلیت می گویند و یکی در بستر بیماری افتاده دیگری به عیادت او می آید و دیگری در حال جان کندن است. یکی به دنبال دنیا می دود در حالی که مرگ به دنبال او در حرکت است و یکی در عالم غفلت فرو رفته در حالی که مرگ و حوادث دنیا او را فراموش نکرده اند! و به همین گونه بازماندگان به دنبال گذشتگان می روند. به هوش باشید، نابود کننده لذات و بر هم زننده کامیابی ها و قطع کننده آرزوها(یعنی مرگ را) بسیار به خاطر بیاورید در آن هنگام که تصمیم بر کارهای زشت دارید و برای ادای حق واجب خدا و نعمتهای بی شمار و احسانهای بی پایانش از او استعانت جوئید. مولای متقیان امیرمومنان علی(ع) می فرماید: «من اکثر من ذکر الموت نجی من خداع الدنيا؛ هر کس فراوان یاد مرگ کند، از حيله های دنیا، رهایی می یابد». حضرت علی(ع) می فرماید: «و من اکثر ذکر الموت رضى من الدنيا بالكفاف؛ هر که بسیار یاد مرگ کند، به اندازه کفاف، از دنیا راضی است».

یادآوری مرگ، تأثیرگذاریهای مثبت و سازندهای در زندگی آدمی دارد. به خاطر این آثار روحی و تربیتی، در تعلیم و آموزه های دینی نیز بدان تاکید و سفارش های فراوانی شده است. یکی از آثار سازنده و تربیتی یاد مرگ، پوشیدن لباس زهد در دنیاست. یاد مرگ، دنیا را در چشم انسان زاهد، خوار و کوچک می کند. امام صادق(ع) می فرماید: «یاد مرگ، شهوت ها را از بین می برد، ریشه های فراموشی را یکسره بر می کند؛ دل انسان را به وعده های الهی محکم می کند و روحیه انسان را از سنگدلی به لطافت و رقت قلب می کشاند. نشانه های هوس را از بین می برد و آتش حرص را خاموش و دنیا را پیش چشمان انسان، کوچک می کند!»

این گونه یاد مرگ انسان را از غوطه ور شدن در هوس ها و لذت های دنیوی باز می دارد و تحمل سختی ها را بر انسان آسان می کند. کسی که فراوان به یاد مرگ می افتد، به کمترین مال و نعمت دنیا راضی است و دیگر بخل و حرص، در دل او راه نمی یابد. او به اندازه نیازش از دنیا بهره می گیرد. دنیا و زیبایی های آن بسیار فریبنده است و کسی که بتواند با یاد مرگ و قیامت دل خود را روانه سرای دیگر کند، نیرنگ و زرق و برق دنیا، دیگر نمی تواند بر او غلبه کند؛ آن چنان که مولای متقیان، امیرمومنان علی(ع) می فرماید: «من اکثر من ذکر الموت نجی من خداع الدنيا؛ هر کس فراوان یاد مرگ کند، از حيله های دنیا، رهایی می یابد».

همچنین، ایشان در سفارش های خود که در نهج البلاغه آمده است، چنین می فرمایند: «ای مردم! سفارش من به شما این است که مرگ را از یاد نبرید و کمتر از آن غفلت کنید، چگونه غافل می شوید از چیزی که هرگز از شما غفلت نمی کند؟ مگر همه روزه، مرده ها را نمی بینید که بر خلاف میلشان به سوی گورها برده می شوند و در حفره های تنگ و تاریک آن جای می گیرند؟ گویی

هرگز در این دنیا زندگی نکرده و در آبادانی آن نکوشیده‌اند. از سرایی که در آن به سر می‌بردند، می‌روند و اسیر توده‌های خاکی که از آن وحشت داشتند، می‌شوند. سرگرم دنیایی بودند که از آن دست کشیدند و آخرتی را که به سوی آن کوچ کردند، تباه ساختند. دیگر نمی‌توانند از بدی‌هایی که کرده‌اند، برگردند و نه این توان و قدرت را دارند که به خوبی‌هایی که از دستشان برمی‌آید، بیفزایند. به دنیا مهر ورزیدند، ولی دنیا فرییشان داد. به آن اعتماد کردند و او بر زمینشان زد».

این گونه، انسان زاهد روزهای عمر خود را رو به کاستی می‌بیند و هر لحظه، خود را یک گام نزدیک‌تر به مرگ احساس می‌کند و در نتیجه تلاش می‌کند تا برای آن دنیای خود نیز زاد و توشه‌ای فراهم کند، که تأمین کننده نیازهای او در فردای قیامت باشد. آنگاه آن حضرت، خطبه خویش را این چنین به پایان می‌رساند: زاهدان، گروهی از مردم دنیا هستند که دنیاپرست نیستند. پس در دنیا زندگی می‌کنند، اما آلودگی دنیاپرستان را ندارند. در دنیا با آگاهی و بصیرت عمل می‌کنند و در ترک زشتی‌ها، از همه کس سبقت می‌جویند، بدن‌هایشان به گونه‌ای در تلاش و حرکت است که گویا در میان مردم آخرت هستند. اهل دنیا را می‌نگرند که مرگ بدن‌ها را بزرگ می‌شمارند، اما آنها مرگ دل‌های زندگان را بزرگ‌تر می‌دانند.

یکبار رسول اکرم(ص) برای نماز آمدند. گروهی را دیدند که آشکارا می‌خندند و بر اثر خنده دندانهای آنان ظاهر است. آن حضرت فرمودند: اگر مرگ را بسیار یاد کنید آن حالی را که من می‌بینم نخواهید داشت، لذا مرگ را بسیار یاد کنید. هیچ روزی بر قبر نمی‌گذرد مگر اینکه در آن روز ندا می‌دهد: من خانه تنهایی هستم. من خانه خاکی هستم. من خانه کرم‌ها هستم. هرگاه شخص مؤمنی در قبر گذاشته می‌شود، قبر خطاب به او می‌گوید: آمدنت مبارک! خوش آمدی! از تمام کسانی که روی زمین هستند تو نزد من محبوب‌تری. امروز که نزد من آمده‌ای بهترین برخورد مرا نسبت به خود خواهی دید. سپس قبر برایش تا منتهای نظر وی وسیع و فراخ می‌شود و دروازه‌ای از بهشت برایش گشاده می‌شود که از آن نسیم بهشت و بوهای عطرآگین به او می‌رسد.

هرگاه شخص بد عمل در قبر گذاشته می‌شود، قبر خطاب به او می‌گوید: آمدنت نامبارک، بد آمدی. از تمام کسانی که روی زمین هستند منفورترین آنها نزد من تو هستی. امروز که به من سپرده شده‌ای برخورد مرا با خود خواهی دید. سپس برخورد مرا با خودخواهی دید. سپس او را چنان می‌فشارد که دنده‌های پهلوی او را در هم فرو می‌روند و هفتاد اژدها بر وی مسلط می‌شود. آن اژدها چنان زهر و سم خطرناکی دارند که اگر یکی از آنها بر زمین بدمد بر اثر آن هیچ گیاه و علفی بر روی زمین نمی‌روید و تا قیامت اژدها او را می‌گزند. پس از آن، پیامبر اکرم(ص) فرمودند: قبر یا باغی از بهشت است و یا خندقی از آتش دوزخ. خوف و خشیت الهی امری بسیار مهم و ضروری است. روی همین اساس، رسول اکرم(ص) اغلب در فکر و اندیشه عمیقی قرار داشتند و یاد مرگ برای این امر بسیار مفید و سودمند است. به همین جهت آن حضرت(ص) این نسخه را تجویز کردند. بنابراین گاهی، یاد و ذکر مرگ بسیار لازم و ضروری خواهد بود.